

نقد آرای مستشرقان پیرامون آیات جهاد

سعید نمازی زادگان

عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

چکیده



در میان مستشرقان گروهی هر چند اندک، بر پایه وجدان و منطق به تحلیل تاریخ و فرهنگ اسلامی پرداخته و از حق گذشته‌اند؛ اما بیشتر آنان با انگیزه‌های تبشیری یا استعماری به مقابله با اسلام برخاسته و با کنار گذاشتن اخلاق و موازین پژوهش به تحریف حقیقت پرداخته‌اند.

جهاد اسلامی یکی از موضوعات مورد علاقه آنان بوده که پیرامون آن بسیار گفته و نوشته‌اند و با تحلیل و تفسیر نادرست آیات جهاد و تاریخ جنگ‌های اسلامی وانمود کرده‌اند که گسترش اسلام در سایه جنگ و شمشیر و غنایم به دست آمده از جنگ‌ها بوده است. در این نوشتار اتهام‌های خاورشناسان مطرح و به هر یک پاسخی در خور داده شده است. **کلید واژه‌ها:** قرآن، مستشرقان، جهاد اسلامی، جهاد دفاعی، جهاد ابتدایی.

مقدمه

آیین اسلام متحیر ملذد؛ اما خیلی زود در صدد شناخت عوامل این موفقیت برآمد و از همین زمان بود که پروژه استشراق شکل گرفت.

نگارش و تدوین هزاران مقاله، صدها

با گسترش اسلام در شرق و غرب جهان و پیشرفت و اعتلای تمدن اسلامی در قرون اولیه، جهان مسیحیت از خواب سنگین هزار ساله‌اش برخاست و از پیروزی چشمگیر

کتاب و چندین دائرةالمعارف محصول مطالعات شرق‌شناسی در طی قرون اخیر است که با اهداف و انگیزه‌های متفاوتی انجام گرفته است.

در این میان تعداد انگشت شماری از خاور شناسان بدون هرگونه جانبداری و ذهنیت پیشین و تنها به انگیزه دانش افزایی و حقیقت یابی به پژوهش‌های اسلامی و قرآنی روی آورده‌اند و بر اساس وجدان و انصاف در این زمینه داوری کرده‌اند؛ اما پیداست که بیشتر مطالعات شرق‌شناسی از سوی سرویس‌های اطلاعاتی، وزارت خارجه و دانشگاه‌های دول غربی یا کلیساها با اهداف استعماری یا تبشیری پشتیبانی می‌شود. این گروه از مستشرقان برای ایجاد تردید و تزلزل در ایمان و اراده سیاسی مسلمانان و نیز جلوگیری از نفوذ روزافزون اسلام در جوامع غربی تهاجم فرهنگی گسترده‌ای را بر ضد فرهنگ و ارزش‌های اصیل اسلامی طراحی کرده، با انکار نبوت پیامبر اکرم ﷺ و آسمانی بودن قرآن کریم و نیز شبهه افکنی در معارف ناب اسلامی، آن را اجرا می‌کنند.

البته بر مسلمانان غیرتمند به ویژه تلاشگران عرصه دانش و پژوهش است در این برهه که به دوره بیداری و خیزش مجدد اسلامی شناخته شده، نه تنها حملات

ناجوانمردانه به ساحت قرآن و مقدسات اسلامی را دفع و ختشی کنند، بلکه با کوششی دو چندان پرچمدار قافله دانش و تولید علم شده، و بر عمق و گستره دانش اسلامی بیفزایند و کارایی و کمال و برتری دین اسلام را در همه عرصه‌ها به اثبات رسانند.

یکی از موضوعاتی که دنیای غرب در سال‌های اخیر پیرامون آن جنگ روانی تمام عیار به راه انداخته و بر حجم آتش تبلیغات منفی برای تضعیف و محو آن افزوده است، اصل مهم و حیات‌بخش جهاد اسلامی است که با کشیدن نقاب صلح و انسان دوستی بر چهره دژم و ترسناک خود و پوشاندن جنایات گذشته و کنونی‌اش می‌کوشد با تحریف و مشوه نشان دادن این آموزه عقلانی و فطری، سیمایی خشن از اسلام و مسلمانان را به نمایش گذارد. از این رو بسیاری از مستشرقان با روشی غیر علمی و غیر منطقی به نقد و بررسی جنگ‌های صدر اسلام و آیات مربوط به جهاد پرداخته و در قضاوتی غیر منصفانه به محکومیت آن‌ها رأی داده‌اند.

با آن‌که روش علمی تحقیق، مبتنی بر نداشتن ذهنیت و پیش فرض است؛ اما مشاهده می‌کنیم که درباره نبوت پیامبر اکرم ﷺ و نزول وحی، از موضع انکار، به

شبهه افکنی و ارائه توجیهات ضعیف می‌پردازند. قرآن و سخنان حکمت آمیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به تعالیم یهودیت و مسیحیت بازمی‌گردانند و جنگ‌های صدر اسلام را با نگاه مادی دنیاگرانه تحلیل کرده، و علت فتوحات را نیاز مالی مسلمانان به منابع مالی سرزمین‌های فتح شده می‌دانند.

البته یکی دیگر از آسیب‌هایی که در روش مستشرقان مشهود است، اشتباه آنان در مراجعه به منابع است. از لغزش‌های رایج آنان استفاده از منابع کم اعتبار و دست‌چندم و روایات ضعیف است. از منابع اصیل شیعی به ندرت استفاده می‌کنند و به صورت تقلیدی و هماهنگ تنها به‌شمار محدود و معینی از منابع اعتماد می‌کنند و شگفت آن‌که یکی از منابعشان آثار دیگر مستشرقان است، مانند بلاشر^۱ که به آثار و نظریات نولدکه^۲ استناد می‌کند.

همچنین اشکال دیگر آن‌ها برداشت نادرست از منابع است که ندانسته و به دلیل خطای در فهم متن یا دانسته و با هدف تحریف صورت می‌پذیرد. بدیهی است که نتیجه این تحقیقات از معیارهای علمی مطالعه و پژوهش فاصله بسیار دارد.

1. Blachere .
2. Noldeke.

بخش اول

در حقیقت مستشرقان دو اشکال مهم درباره جنگ و جهاد اسلامی مطرح کرده‌اند:

نخست ادعا شده که دین اسلام برخلاف آیین مسیحیت، هویتی خشونت‌آمیز داشته و در سایه شمشیر ابتدا در شبه جزیره عربستان و سپس در دیگر سرزمین‌ها پذیرفته شده است، حال آن‌که مسیحیت بر اساس صلح و محبت و تبشیر استوار بوده و اربابان کلیسا از طریق نفوذ در دل‌ها، آیین خود را به مردم جهان قبولانده‌اند.

دیگر آن‌که هدف و انگیزه سربازان اسلام از جنگ و نبردها کسب غنایم و تاراج اموال قبایل و اقوام دیگر و نیز کشورگشایی و گسترش قلمرو سرزمین‌های اسلامی بوده است.

در پاسخ به این ادعاها ابتدا اعترافات پاره‌ای از مستشرقان منصفی را نقل می‌کنیم که ضمن پوزش از ساحت قرآن و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دلیل برخورد ناجوانمردانه هم‌کیشان خود، از خشونت‌ورزی و جنایت‌هایی که در طول تاریخ به نام مسیحیت انجام گرفته، اظهار تأسف و شرمندگی کرده‌اند. سپس به نقد و بررسی تفصیلی این اتهام‌ها خواهیم پرداخت.

نگاه ایجابی برخی از مستشرقان به جهاد اسلامی

آقای حسین عبداللہی در کتاب *اعترافات خاورشناسان* دو بیست تن از آن‌ها را نام می‌برد که به معارف قرآن از جمله جهاد نگاه مثبت داشته و بر آموزه‌های سعادت بخش قرآن و فضایل پیامبر اسلام ﷺ و یاران صدیقش و خدمات اسلام و مسلمانان به جامعه بشری در طول تاریخ اعتراف کرده و نقش الهام بخش تمدن اسلامی و سهم مسلمانان را در پایه گذاری تمدن جدید غرب پذیرفته‌اند. اینان ادعای دیگر مستشرقان مبنی بر گسترش اسلام در سایه جنگ و قدرت طلبی و انگیزه کسب غنائم در نبردهای صدر اسلام را به شدت محکوم کرده‌اند؛ چه کسانی نظیر موریس بوکای فرانسوی، شهید ادوارد انیلی ایتالیایی و جان دیون پورت انگلیسی که به حقانیت و برتری اسلام بر سایر ادیان نیز شهادت داده‌اند و چه مسیحیان آزاده‌ای چون توماس کارلایل اسکاتلندی، هانری کرین فرانسوی، جرجی زیدان لبنانی و ادوارد سعید فلسطینی الاصل آمریکایی و یا ییزوتسوی ژاپنی که تعصب کور جاهلی، صدای وجدان حقیقت گویان را خفه نکرده است.

در این جا گوشه‌هایی از سخنان آن‌ها را به عنوان گواه نقل می‌کنیم:

جان دیون پورت^۱ در کتاب *عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن* می‌نویسد:

«این توهم که در ذهن پاره‌ای اشخاص راه یافته و کسانی که هنوز تصور می‌کنند دینی را که قرآن تعلیم داد به وسیله شمشیر تبلیغ شده است، یک اشتباه و خبط خارق العاده است!»^۲

همو در جای دیگر می‌گوید:

«اسلام هیچ گاه در اصول عقاید هیچ دینی مداخله نکرده است و هیچ وقت کسی را به این جرم مجازات نکرده است و هیچ گاه محکمه تقیث عقاید (انگیزاسیون) راه نینداخته است و هیچ وقت نظر نداشته است که عقاید دینی را بر دیگران تحمیل کند. بلی دین اسلام را بر دیگران عرضه می‌داشتند، ولی هیچ گاه آن را با زور و عذف تحمیل نمی‌کردند؛ زیرا که قرآن دستور داده بود: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ (بقره/۲۵۶).^۳

گفته‌های شفیلد^۴ هم در این باره واقعاً شنیدنی است:

«اگر عرب‌ها و ترک‌ها و سایر اقوام اسلامی نسبت به مسیحیان همان روشی را

1. JoHn Daven port.

۲. عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، جان دیون پورت، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۱۸.

4. Chfld.

اتخاذ می‌کردند که اروپائیان درباره قرآن داشته‌اند، شاید از دین مسیحیت در مشرق زمین اثری باقی نمی‌ماند.^۱ ادوارد سعید در کتاب ارزشمند شرق‌شناسی، ریشه این اتهامها را به خوبی نشان داده، می‌نویسد:

«تاریخچه تعصب همگانی و مشهور ضد عرب و ضد اسلام غریبان بلافاصله در تاریخچه شرق‌شناسی انعکاس پیدا کرده است... تار و پود اتهامهای نژاد پرستانه، کلیشه‌های فرهنگی، امپریالیسم سیاسی و ایدئولوژی‌های ضد انسانی در خصوص اعراب و مسلمانان واقعاً بسیار قوی است»^۲ جرج سیل^۳ قرآن پژوه انگلیسی نیز به صراحت اعلام می‌کند:

«آنها که می‌پندارند این شریعت - اسلام - بازور و شمشیر پیش رفته است خیانت و خدعه بزرگی مرتکب شده‌اند.»

توماس کارلایل^۴ انگلیسی در کتاب قهرمان و قهرمان پرستی از این اتهام به خشم آمده، می‌نویسد:

«اکنون وقت آن است که با این سخنان شرم آور به مبارزه برخیزیم؛ زیرا رسالتی که

این پیامبر انجام داد، هم چون چراغ نورافکنی است که دوازده قرن صدها میلیون انسان هم نوع ما را هدایت کرده است... محمد ﷺ در دیدگاه من قطره‌ای از جوهره حقیقت عالم بود. سطح شخصیتی او برتر از آن بود که به خواسته حقیر و ناچیزی چون سلطنت و حکومت و مانند آن بیندیشد. محمد ﷺ ستاره و شهاب نور افشانی بود که تمام عالم را روشن کرد»^۵

و سرانجام شبلی، عقل و وجدان را به داوری می‌خواند و می‌پرسد:

«آیا مسلمانان در نبرد با قوم بربر شمال آفریقا که برای پیروزی شهدای زیادی نیز دادند، جز تصرف صحراهای خشک بهره‌مادی دیگری داشتند؟!»^۶

نگاه سلبی مستشرقان به جهاد اسلامی و نقد آن

بیان شد که بیشتر مستشرقان به ویژه مسیحیان آنها نگاهی انتقادی به جهاد اسلامی و آیات مربوط به آن دارند و هر یک به گونه‌ای در صدد تخریب این اصل بنیادین اسلامی هستند.

۱. مجله تاریخی، ص ۲۱۱ به نقل از: عذر تقصیر به

پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، ص ۱۱۸.

۲. ادوارد سعید، شرق‌شناسی، ص ۵۵ و ۵۶.

3. G.sale.

4. th.carlyle.

۵. توماس کارلایل، الابطال، تعریب محمد السباعی،

ص ۵۳-۵۸.

۶. اسلام در زندان اتهام، ص ۴۰۶.

البته گفتنی است که میان جهاد در فرهنگ قرآنی و سیره نبوی با آنچه در زمان فتوحات و خلفا رخ داده است تفاوت وجود دارد. چه بسا که در لشکرکشی‌های بعدی به دلیل فقدان رهبری معصوم، اشکال‌هایی وجود داشته باشد؛ اما نمی‌توان به بهانه این نقاط ضعف جزئی، اصل اندیشه جهادی را زیر سؤال برد.

اینک به عنوان نمونه برخی از دیدگاه‌های مستشرقان را در این باره نقل کرده، آن‌گاه به نقد و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. بی. جی. واتیکوتیس^۱ در کتاب *انقلاب در خاورمیانه و سایر مطالعات موردی*^۲ نظریه تضاد تفکر جهادی با ساختار عقلانی و روانی انسان را مطرح می‌کند و می‌گوید:

«هر نوع ایدئولوژی انقلابی در تضاد مستقیم (وبلکه حمله مستقیمی علیه) ساختار عقلانی، بیولوژیک (زیست‌شناسی) و روانی بشر است... برای یک نفر انقلابی، سیاست صرفاً یک مسئله اعتقادی و یا جانشین اعتقاد دینی نیست، بلکه آنچه

همیشه بوده است دیگر نبلید باشد... همه کوشش وی در جهت مسایل انتزاعی و مجرد و قهرمان گونه است... این که سیاست در خدمت انسان‌ها باشد اندیشه‌ای است که برای تئوریسین‌های انقلابی قابل قبول نیست، بلکه در عوض، هدف وجودی بشر این است که در خدمت نظمی باشد که به گونه‌ای سیاسی طرح ریزی شده و با خشونت تمام برقرار شده باشد»^۳.

نقد

الف. برعکس این ادعا می‌توان گفت که برتلبیدن ظلم و انقلاب کردن علیه آن، یک مکانیسم فطری و طبیعی است و انسان سالم وقتی در تنگنا قرار می‌گیرد، همانند فنر فشرده در صدد بازگشت به حالت طبیعی خود می‌باشد.

ب. ادعا شده که سیاست تنها یک مسئله اعتقادی نیست، حال آن‌که براساس سیره نبوی در اسلام، سیاست در متن دین بوده، بلکه سیاست عین دیانت است.

ج. هیچ‌گاه یک انقلابی در صدد تغییر همه چیز و این که «آنچه همیشه بوده است نباید باشد»، نیست بلکه او خواهان اصلاح

1. F.J.Vatikiotis.
2. Revolution in the Middle East and other case studies.

۳. شرق شناسی، ص ۵۵۸؛ به نقل از: *انقلاب در خاورمیانه*، ص ۸.

امور و رفع بی عدالتی و کژی‌هاست.

د. عدالت خواهی، ظلم ستیزی و شجاعت، مفاهیم مجرد و انتزاعی نیستند، بلکه اهدافی دست یافتنی هستند.

۲. برنارد لوئیس^۱ نیز در کتاب *انقلاب در خاورمیانه* در مقاله «مفاهیم اسلامی انقلاب» از علم زبان‌شناسی استفاده کرده، واژه «الثورة» را تخریب می‌کند و می‌گوید: «ریشه واژه «ثور» به معنای بلند شدن و سر برافراشتن شتر و تکان و هیجان است، گویا می‌خواهد بگوید که حیوانیت، بی‌فکری، شتابزدگی و عدم استمرار و ناپایداری، در مفهوم واژه ثوره و انقلاب وجود دارد.»^۲

نقد

الف. می‌دانیم بر اساس علم اشتقاق لغت، همه آحاد و اجزای معنایی یک واژه در مشتقات آن وجود ندارد، بلکه مناسبت جزئی هم می‌تواند مجوز اشتقاق باشد و پیداست که در انقلاب، خیزش و جنبش وجود دارد.

ب. *ادوارد سعید* در کتاب *شرق‌شناسی راز این تهاجم ناجوانمردانه مستشرقان علیه*

اندیشه جهادی اسلام را این گونه معرفی می‌کند:

«آنچه در پس همه این تصاویر و چهره‌ها در کمین نشسته است همانا تهدید جهاد می‌باشد و در نتیجه آن، ترس از این که بالاخره مسلمانان (یا اعراب) دنیا را خواهند گرفت.»^۳

ج. *لورانس براون*^۴ نیز راز این مقابله را در *استعمار ستیزی اسلام* می‌داند و می‌گوید: «خطر حقیقی در نظام اسلامی نهفته است. نیرویی که اسلام برای گسترش و پذیرش دارد در زنده بودن اسلام است. اسلام تنها مانع و دیوار بزرگ در برابر استعمار اروپاست.»^۵

۳. *نولدکه*^۶ آلمانی نیز که نخواست به راز پیروزی و گسترش اسلام اعتراف کند یا نتوانسته به آن پی ببرد می‌گوید:

«پیامبر اسلام ﷺ از اختلاف و تفرقه میان قبایل بهره برد و چون آن‌ها در میان خود پیمان دفاعی مشترکی بر ضد پیامبر ﷺ نداشتند وی به راحتی توانست بر آنان پیروز

—

۳. *شرق‌شناسی*، ص ۵۶۴.

4. Lawrence Brown

۵. *مستشرقان و قرآن*، ص ۴۲۵، به نقل از: البشیر والاستعمار فی البلاد العربیه، ص ۳۲.

6. Noldeke.

1. B.Lewis

۲. محمد حسن زمانی، *مستشرقان و قرآن*، ص ۴۲۴، به نقل از: *شرق‌شناسی*، ص ۵۶۴.

شود و به ناچار کار عرب به جایی رسید که فوج فوج به آیین اسلام در آمدند.^۱

نقد

الف. ظاهراً وی به عمد غزوه خندق (احزاب) را نادیده می‌گیرد که در آن همه دشمنان اسلام برای شکست اسلام هم پیمان شدند؛ اما به هدف خود دست نیافتند.

ب. آیا می‌توان پذیرفت که وی از داستان شعب ابوطالب بی‌خبر است که در آن پیامبر ﷺ و مسلمانان سه سال در داخل دره‌ای در محاصره تمام عیار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قریش و هم‌پیمانان آنها بودند؟

حقیقت آن است که نولدکه نمی‌خواهد بپذیرد پیروزی اسلام به امداد الهی و نیروی معنوی اسلام و ایمان مسلمانان بوده است. پس باید گفت:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرٌ نُورِهِ
وَأَلْوَكْرَهُ الْكَافِرُونَ﴾ (صف ۸).

۴. توماس آرنولد در کتاب دعوت به اسلام می‌گوید روحیه پست و مادی اعراب و علاقه آنها در به چنگ آوردن غنایم، عامل اصلی و نیروی اساسی پیدارنده پیروزی‌های آنها بوده است؛ زیرا اعراب از

۱. اسلام در زندان اتهام، ص ۱۵۶.

اقوام صاحب عزم و سخت‌کوش‌اند. این قوم برای فرار از مشکل گرسنگی نیازمند ترک صحراهای خشک و رسیدن به اراضی پر ثروت و آباد مجاور خویش بودند.^۲

نورمن بینز^۳ در کتاب امپراتوری بیزانس و استانی لان بول در کتاب اعراب در اسپانیا^۴ همین ادعا را تکرار می‌کنند. دونالدش نیز در رساله عقیده شیعه با کمی انصاف می‌گوید:

«ما شک نداریم که به راستی ایجاد حماسه دینی برای کشاندن اعراب به غزوات علیه سرزمین‌های وسیع مجاورشان کافی بود؛ اما آنچه در آغاز باعث کشش آنها به این راه گردید، نیاز بسیار سخت اقتصادی بوده است.»^۵

فلیپ حتّی^۶ در کتاب تاریخ عرب^۷ بر عوامل اقتصادی به عنوان یک عامل نهانی پیشرفت تکیه می‌کند و از کیتانی^۸ و برکر^۹ به عنوان دانشمندان باریک بینی یاد می‌کند که به این نکته توجه کرده‌اند. همچنین به گفته

۲. اسلام در زندان اتهام، ص ۳۹۵.

3. Nirman Binze.

4. Arabs in spania.

۵. اسلام در زندان اتهام، ص ۳۹۶.

6. Filip Hitti.

7. History of the Arabs.

8. Ceatani.

9. Becker.

رستم، فرمانده ایرانی استناد می‌کند که به فرستاده مسلمانان چنین گفت:

«می‌دانم که تنگدستی و سختی معیشت شما را به این کار واداشته است»^۱.

نقد

مطالعه بی‌طرفانه تاریخ اسلام خلاف این ادعاها را تأیید می‌کند. اینک برای نمونه به چند مورد تاریخی اشاره می‌شود:

الف. مشرکان قریش در سال‌های اولیه بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آن که او را از دعوتش منصرف کنند، پیشنهاد کردند هر مقدار ثروت و هر مقامی را که بخواهد در اختیارش می‌گذارند؛ اما پاسخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این بود که اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من قرار دهید (کنایه از این که اگر تمام عالم را به من بدهید)، دست از دعوت خود برنمی‌دارم.^۲

ب. پس از آن که اسلام تمام شبه جزیره عربستان را فرا گرفت نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زندگی ساده‌اش دست برداشت، تا جایی که به گواهی قرآن، این ساده زیستی، اعتراض همسرانش را نیز برانگیخت: ای

پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیاید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم و شما را بطرز نیکویی رها سازم!»^۳

ج. بر هیچ کس پوشیده نیست که پیامبر اسلام نه تنها ثروتی نیندوخت، بلکه در راه دعوت مقدسش تمام ثروت همسر و فادارش را نیز هزینه کرد.

د. تاریخ گواهی می‌دهد که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و با گسترش فتوحات نیز زندگی خلفای راشدین بجز خلیفه سوم هیچ تغییری نکرده بود.

ه. شایسته بود که فلیپ حتی ادامه گزارش تاریخی مربوط به رستم را حذف نمی‌کرد، آنجا که زهره بن جویره در پاسخ به پیشنهاد طلا و هدیه از سوی رستم گفت:

«ما به طلب مال دنیا به سوی شما نیامده‌ایم، بلکه برای کشاندن شما به آسایش دنیا و آخرت به سوی شما شتافتیم.»^۴

و. آیا در نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به پادشاهان و سران کشورها انگیزه مادی یا گوشه‌چشمی به سرزمین و یا اموال آن‌ها بود یا تنها خواست ایشان پرستش خدای یگانه بود؟

۱. فلیپ حتی، تاریخ عرب، ص ۱۸۵.
۲. تاریخ پیامبر اسلام، محمد ابراهیم آیتی، ص ۸۵.

۳. احزاب ۲۸.
۴. اسلام در زندان آنهام، ص ۴۰۰.

ز. حقیقت آن است که مجاهدان مسلمان در مصاف با سایر اقوام آن‌ها را در پذیرش یکی از این سه شرط آزاد می‌گذاشتند: اسلام، جزیه یا نبرد. اگر اسلام پذیرفته می‌شد، فاتحان هیچ تقاضای دیگری نداشتند، جزیه نیز که بر اساس پیمان صلح مقرر می‌گردید، در واقع بهای اندکی بود که در برابر خدمات حکومت به عنوان مالیات مطالبه می‌شد.

۵. ویلیام مؤنیه مولف کتاب‌های زندگی حضرت محمد ﷺ و خلافت؛ ظهور و سقوط آن، فرهنگ و تمدن غرب را در مواجهه با فرهنگ غنی اسلام و جهاد فرهنگی و نظامی آن که در قرآن و شمشیر تبلور یافته است، می‌داند و به غریبان هشدار می‌دهد شمشیر محمد و قرآن او، سرسخت‌ترین دشمنان تمدن آزادی و حقیقت‌اند.^۱

روبرت بین نیز کتاب شمشیر مقدس^۲ را همان گونه که از عنوانش پیداست، برای آن نگاشت که نشان دهد اسلام با شمشیر پیروز شده است.

نقد

الف. با مطالعه غزوات و سریه‌های زمان

۱. شرق شناسی، ص ۲۷۴.

2. The Sacred Sword.

پیامبر اکرم ﷺ کاملاً آشکار می‌شود که بسیاری از آن‌ها تنها لشکرکشی و اعزام نیروی نظامی برای نمایش قدرت بوده و جنبه بازدارندگی از تهاجم دشمن و فتنه‌گری او را داشته است.

جنگ‌های پیامبر اکرم ﷺ نیز همگی جنبه دفاعی داشته و به دلایل مختلفی رخ داده است؛ به عنوان نمونه هدف اولیه از اعزام نیرو در جنگ بدر، تنها گرفتن تاوان اموال به یغما رفته مهاجران مکه و نیز هشدار به قریش بود که دست از آزار و توطئه بردارد و گر نه راه تجارتشان نا امن خواهد شد؛ اما سرنوشت کار به شکل دیگری رقم خورد و مجاهدان مجبور به جنگ دفاعی در برابر نیروی مهاجم قریش شدند.

جنگ‌های احد و خندق نیز به دلیل تهاجم دشمن به مدینه اتفاق افتاد و جنگ‌های موته و تبوک واکنش به اعلان جنگ و بسیج لشکر از سوی رومیان بود. جنگ با قریش در مکه و بنی قریظه در مدینه هم به دنبال پیمان شکنی مشرکان و یهودیان رخ داد. بسیاری از سریه‌ها نیز با انگیزه مقابله به مثل و تنبیه قبایل یاغی بود تا از تکرار تجاوز جلوگیری شود.

ب. با این همه سیره پیامبر اکرم ﷺ و عملکرد مجاهدان در این جنگ‌ها بر اساس ارزش‌های انسانی و سیاست جلب قلوب

بود. جوانمردی در حین جنگ، پرهیز از آسیب رساندن به سالمندان، زنان و کودکان و حتی سرزمین دشمن، مدارا و خوش رفتاری با مجروحان و اسیران و حتی احترام به اجساد دشمن و دفن آنها، اعلام عفو عمومی و پرهیز از انتقام‌گیری، نمونه‌های فراوانی در تاریخ اسلام دارد.

ج. متوسط آمار کشتگان جنگ‌های ده ساله پیامبر اکرم ﷺ براساس منابع معتبر نیز در حدود ۱۳۰۰ تن است^۱ (و این در صورتی است که تعداد کشته‌های بنی قریظه را ۷۰۰ نفر بدانیم، حال آن که برخی از محققان آمار تلفات این جنگ را بسیار کمتر از این می‌دانند) که با آمار کشته‌های جنگ‌های صلیبی قابل مقایسه نیست و این نشان می‌دهد که پیامبر اسلام ﷺ بر عدم خونریزی و خشونت تأکید فراوان داشتند.

د. اگر منصف و تیز بین باشیم موضوعات دیگری غیر از جنگ و شمشیر را عامل اصلی پیروزی و پیشرفت اسلام می‌بینیم؛ مواردی چون: - فطری و عقلانی بودن تعالیم اسلامی، تاثیرگذاری فصاحت و بلاغت قرآن و نیز جذابیت و جامعیت معارف آن، اخلاق و دلسوزی پیامبر اکرم ﷺ

همان‌گونه که قرآن اشاره کرده است: ﴿فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَسْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا أَلْقَبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران/۱۵۹)؛ ﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء / ۳)، نبودن حکومت قدرتمند و دولت بزرگ در شبه جزیره عربستان، وجود اهل کتاب و تعالیم ابراهیم ﷺ در میان ساکنان شبه جزیره، برخی از ویژگی‌های اجتماعی صحابه مثل عادت به زندگی سخت، پایبندی به پیمان، مهمان نوازی و حتی سیره جنگی پیامبر اکرم ﷺ و رفتار انسانی لشکر کربان اسلام.

۶. ریون فایرستون^۲ در مقاله جنگ در دایرة المعارف قرآن می‌گوید:

«قرآن در برخی آیات، مردم را از جنگ باز می‌دارد، گر چه جنگ برای دفاع را اجازه می‌دهد. همچنین در برخی آیات، جنگ را با شرایط خاصی مجاز می‌داند، اما در آیات دیگری فرمان بی‌قید و شرایط به جهاد می‌دهد نظیر:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ﴾ (بقره/۲۱۶)؛ و در مقام جمع این آیات از قول مفسران می‌نویسد که دوران حیات حضرت محمد ﷺ شرایط و مراحل مختلفی

۱. تاریخ تحلیلی اسلام، محمد نصیری رضی، ص ۱۰۷.

2. Reuven Firestone.

داشته است»^۱.

اختصاص جهاد به دفاع در برابر متجاوزان است.

همو در جای دیگر این مقاله می‌نویسد:

ب. اگر تعمدی در کار نباشد و بخش‌هایی از آیات تقطیع نشود، قرآینی در خود آیات مطلق یا آیات قبل و بعد آن وجود دارد که به روشنی بر تقید آن‌ها دلالت می‌کند که به عنوان نمونه به چند آیه شریفه اشاره می‌شود:

«جملات متفاوت قرآن درباره جنگ، در حقیقت، انعکاس نقطه نظرات متفاوت مسلمانان اولیه درباره جنگ می‌باشد... از تاکید و تکرار دستور جنگ روشن می‌شود که گروهی از پیروان پیامبر اکرم ﷺ اساساً مخالف جنگ‌های مذهبی بودند.»^۲

۱. «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ» (بقره/۱۹۱).

گرچه این آیه به ظاهر مطلق است، اما در خود آن و نیز آیه قبل، قرآینی وجود دارد که نشان می‌دهد این دستور مربوط به مشرکان قریش است که پیامبر ﷺ و مسلمانان را از مکه اخراج کرده و با آنان به جنگ برخاسته‌اند:

نقد

الف. گویا فایرستون می‌خواهد آیات قرآن را غیر وحیانی و برخاسته از تصمیمات فردی پیامبر اسلام ﷺ معرفی کند، به گونه‌ای که اگر وی قدرت مقابله را در مسلمانان مشاهده می‌کرد، آیات مطلق جهاد را بر آنان می‌خواند و اگر قدرت مقابله را در لشکر خود نمی‌دید یا دشمنان از آزار خود می‌کاستند، آیات جهاد مخصوص به متجاوزان را تلاوت می‌کرد. حال آن که هیچ مفسری چنین برداشتی از قرآن ندارد که وی به آن‌ها نسبت داده است، بلکه همه مفسران نوشته‌اند که همواره آیات مطلق، حمل بر آیات مقید می‌شود. بنابراین مقصود از آیات مطلق، همان مدلول آیات مقید؛ یعنی

۲. «فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (توبه / ۵).

اگر به آیات اول سوره توبه توجه شود، می‌بینیم که مشرکان دو دسته شده‌اند: گروهی که دارای پیمان صلح هستند و کسانی که پیمان شکسته یا با مسلمانان جنگ دارند و آیه بالا به این گروه دوم اشاره دارد.

۳. «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً» (توبه / ۳۶).

اگر دنباله آیه به عمد نادیده گرفته نشود و آیه به شکل کامل بیان شود «... کَمَا

1. Encyclopaedia of the Quran, Volume two, p. 208.

۲. همان، ص ۲۰۹.

يَقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (توبه / ۳۶) روشن می‌شود که مقصود از مشرکان، متجاوزان هستند.

۴. ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ﴾ (انفال / ۳۹).

اگر به آیات قبل و بعد توجه کنیم می‌یابیم که آیه فوق نیز مربوط به کافران متجاوز است:

ج. یکی از ویژگی‌های قطعی تاریخی قرآن این است که در مدت بیست و سه سال رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و براساس شرایط و نیازهای مسلمانان به تدریج نازل شده است و این موضوع البته بر بزرگی اعجاز قرآن افزوده است؛ زیرا با این همه هیچ اختلاف و ناسازگاری میان آیات وجود ندارد: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء/۸۲).

از آن‌جا که مستشرقان به ظرایف این آیات پی نبرده‌اند، آن‌ها را به ظاهر متناقض یافته و توجیحات نادرستی را مطرح کرده‌اند. از جمله توجیحات فایرستون درباره آیات جهاد که پذیرفتنی نیست؛ زیرا درست است که قرآن براساس شرایط و موقعیت ضعیف مسلمانان در مکه، بیش از ده سال اجازه دفاع و نبرد رویاروی با مشرکان را نداد یا پس از آن درباره توازن نیروهای دو طرف به دلیل شرایط مسلمانان تخفیف‌هایی قائل شد:

﴿الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِن يَكُن مِّنْكُمْ مِّمَّةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِثْلَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال / ۶۶).

اما پس از صدور حکم فرمان جهاد هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی در اصل آن کوتاه نیامد و آن را به شرایط خاصی مقید نکرد. د. همچنین تکرار دستور جهاد و تأکید بر آن نمی‌تواند دلیل بر اختلاف نظر میان صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره جنگ‌های مذهبی باشد؛ زیرا تکرار و تأکید نشانه اهمیت این موضوع در شریعت اسلام و نیز نقش بنیادین آن در سلامت جامعه انسانی است، همان‌گونه که درباره نماز و زکات نیز مؤکد و مکرر دستور داده شده است و در هیچ منبعی نقل نشده که مسلمانان درباره نماز و زکات اختلاف نظر داشته‌اند. البته گفتنی است که در برخی آیات به کسانی که با جهاد مخالف بودند نیز اشاره شده است: ﴿فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (توبه / ۸۱).

اما از نگاه قرآن و مسلمانان، آن‌ها منافق بوده و حسابشان از پیروان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جداست.

۷. ریزوی فایزر^۱ در مقاله «لشکرکشی‌ها و نبردها»^۲ در *دائرة المعارف قرآن* پس از آن که اشاره می‌کند در قرآن اصطلاحات متعددی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم برای مفهوم جنگ و تجاوز به کار رفته‌اند که عبارت‌اند از: فتح، فتنه، غلبه، غارت، غزوه، حرب، جهاد و قتل می‌نویسد:

«محمد ﷺ یکی از انبیایی است که از سوی خدا تشویق شده به خاطر اعتقادش به نبرد بپردازد. قرآن می‌گوید که اسلام و توحید در اثر مبارزات و جهادها توسعه یافته است.»^۳

و جای دیگر می‌گوید:

«بر اساس قرآن، اسلام نهایت منحنی جنگ‌ها را برای گسترش توحید داشته است.»^۴

نقد

الف. اقرار منصفانه به این که جهاد در راه دین اختصاصی به اسلام نداشته و پیامبران گذشته نیز از سوی خداوند بدان تشویق شده‌اند، در خور ستایش است؛ اما این که

1. Rizwi Faizer.
2. Expeditions and Battles.
3. Encyclopaedia of the Quran, Volume two, p. 143.

۴. همان، ص ۱۴۴.

اسلام و توحید در اثر مبارزات و جهادها توسعه یافته یا اسلام بیشترین جنگ را داشته است، قابل تأمل و بازنگری است؛ زیرا گرچه نمی‌توان نقش ایشار و فداکاری پیامبر ﷺ و یارانش در دفاع از اسلام و مسلمانان را در تثبیت و گسترش توحید انکار کرد، لکن همان گونه که پیشتر اشاره شد، عوامل مهم دیگری در این زمینه نقش داشته‌اند. همچنین آیا نهایت منحنی جنگ‌ها در اسلام بر فرض پذیرش آن از باب تأکید بیشتر اسلام بر جنگ و مبارزه برای گسترش توحید بوده است، یا به دلیل دشمنان فراوان داخلی و خارجی، به مسلمانان تحمیل شده است.

ب. پیامبر اسلام ﷺ برخلاف پادشاهان که به فتح سرزمین‌ها و گسترش قلمرو خود گرایش دارند، در اندیشه فتح قلوب بود؛ چه ایمان با زور و سلطه به دست نمی‌آید. از این رو پیامبر ﷺ در ترویج اسلام همواره از دستور قرآن پیروی می‌کرد:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵).

پیامبر ﷺ گاه خود به میان قبایل می‌رفت و گاه مبلغانی را برای دعوت به اسلام اعزام می‌کرد و بر این کار چنان تأکید داشت که گاهی دشمنان از این فرصت سوء استفاده کرده، مبلغان را به قتل می‌رساندند،

همان‌گونه که در مناطق رجیع و بئر معونه اتفاق افتاد. با مروری در تاریخ صدر اسلام به روشنی می‌یابیم که روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفا در دعوت اسلامی شامل مراحل زیر بود:

ابتدا به کمک قرآن و منطق، مردم را به دین توحیدی اسلام دعوت می‌کردند و چنانچه با عدم پذیرش آنان رویه‌رو می‌شدند، در مرحله بعد پیشنهاد پیمان صلح و عدم تجاوز و دشمنی با یکدیگر و همزیستی بر اساس اصل احترام متقابل می‌دادند.

اما اگر آن‌ها دشمنی را پیش گرفته، گزینه جنگ را انتخاب می‌کردند، چاره‌ای جز دفاع از اسلام و مسلمانان باقی نمی‌ماند.

جهاد ابتدایی نیز برای برداشتن فشار و اختناق از جوامع مشرک و عرضه فرهنگ و معارف اسلام به آن‌ها بوده تا مردم آن سرزمین‌ها بتوانند آزادانه عقیده مورد علاقه خود را انتخاب و بپذیرند و گرنه همان‌گونه که پیش از این بیان شد عقیده و ایمان تحمیل پذیر نیست.

۸. رابرت موری در کتاب *تهاجم اسلام*، عیسی صلی الله علیه و آله را سرمشق بزرگ اخلاق خوانده و او را به دلیل آن‌که مردم را به پذیرش ایمان اجبار نکرده ستوده است؛ اما در مقابل مدعی شده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دست

به کشتار و غارت زده است.

نقد

پیش از این نسبت ناروای موری و دیگر مستشرقان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پاسخ داده شد؛ اما ادعای وی درباره عیسی صلی الله علیه و آله را نه قرآن و نه کتاب مقدس و مستشرقانی مانند ریزوی فایزر تأیید نمی‌کنند. با مروری در کتاب مقدس می‌بینیم که نبرد با دشمنان خدا یکی از وظایف مهم همه پیامبران بوده که عیسی صلی الله علیه و آله نیز از آن مستثنی نبوده است؛ به عنوان نمونه:

در سفر تثنیه به نبرد موسی با سیمون پادشاه حبشون اشاره شده است.^۱

کتاب اول سموئیل لشکرکشی داوود به سوی طایفه حشوریان را نقل می‌کند.^۲

عیسی صلی الله علیه و آله در انجیل متی اعلام می‌کند: «گمان مبرید که آمده‌ام تا صلح به زمینی بیاورم، من آمده‌ام تا شمشیر بیاورم.»^۳

«اگر بخواهید جان خود را حفظ کنید آن را از دست خواهید داد، ولی اگر جانتان را به خاطر من از دست بدهید آن را دوباره به دست خواهید آورد.»^۴

۱. سفر تثنیه، ۳۲/۲-۳۶.

۲. کتاب اول سموئیل ۸/۲۷-۱۰.

۳. انجیل متی، ۳۴/۱۰.

۴. همان، ۳۹/۱۰.

و در انجیل لوقا به شاگردانش می‌گوید: «ولی حالا اگر کوله بار و پول دارید بردارید و اگر شمشیر ندارید بهتر است لباس خود را بفروشید و یکی بخرید.»^۱ در مکاشفه یوحنا نیز آمده که کلمه خدا در آخر الزمان سوار بر اسب سفیدی از آسمان پایین می‌آید و از دهانش شمشیری تیز بیرون آمده، تا با آن به ملت‌های بی‌ایمان ضربه بزند.^۲

همچنین بر اساس آیات قرآن کریم، تشریح جنگ و جهاد در همه ادیان توحیدی وجود داشته، به دین اسلام اختصاص ندارد. آیات زیر گواه روشنی بر این واقعیت است: «وَكَايِنٍ مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثْوَنٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران / ۱۴۶)

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَا مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ مِّن بَعْدِ مُوسَى إِذِ قَالُوا لَنَبِيِّهِمْ إِنَّهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا يُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» (بقره / ۲۴۶).

در قرآن همچنین به جنگ داود و جالوت^۳ و لشکرکشی سلیمان^۴ اشاره شده

است.

سخن پایانی

جهاد یکی از موضوعات بسیار مهمی است که از یک سو ضامن سعادت همه جانبه جامعه بشری بوده و اسلام بر آن تأکید زیادی کرده، تا حدی که به صورت یکی از شاخصه‌های مهم فرهنگ اسلامی در آمده است و از سوی دیگر نیز یکی از مسائل چالش‌برانگیز میان اسلام پژوهان مسلمان و غیر مسلمان شده است.

برخی از خاورشناسان با نگاهی منصفانه و مثبت مسئله جهاد را بررسی کرده‌اند؛ اما بیشتر آنان نگاهی انتقادی داشته و انگیزه تشریح جهاد اسلامی را گسترش قهرآمیز اسلام و تصرف سرزمین‌های اقوام دیگر و تاراج ثروت‌های آنان دانسته‌اند که آرای تنی چند از آنان مطرح شد و مورد نقد و بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که همه جنگ‌های صدر اسلام ماهیت دفاعی داشته، به گونه‌ای که هر انسان آزاده‌ای آن را تأیید می‌کند. از این رو در پذیرش و گسترش اسلام هیچ اجبار و تحمیلی وجود نداشته است.

۱. انجیل لوقا، ۳۶/۲۲.

۲. مکاشفه یوحنا، ۱۳/۱۹-۱۵.

۳. بقره / ۲۵۱.

→ ۴. نمل / ۱۸.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیه الله ناصر مکارم شیرازی.
۲. آبتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
۳. اخوان صراف، زهرا، «آسیب شناسی روش های خاور شناسان در مطالعات قرآنی»، مجله مشکوة، ش ۸۱.
۴. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
۵. حتی، فلیپ، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
۶. دیون پورت، جان، عذر تفصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، قم، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۴۸.
۷. زمانی، محمد حسن، مستشرقان و قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۸. سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه عبد الرحیم گواهی، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
۹. سعیدی مهر، محمد، گفت و گوی ادیان پذیرش یا تهاجم/اسلام (نقدی بر کتاب تهاجم اسلام رابرت موری)، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
۱۰. شوقی، ابو خلیل، اسلام در زندان/تهام، ترجمه حسن اکبری مرزناک، بی جا، بی تا.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه مطبوعاتی اسلامی، ۱۳۹۳.ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، مکتبه اسلامی، ۱۳۹۵.ق.
۱۳. مصباح یزدی، محمد تقی، جنگ و جهاد در قرآن، تدوین و نگارش محمد حسین اسکندری - محمد مهدی نادری قمی، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
۱۴. مطهری، مرتضی، جهاد، چاپ هفدهم: تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
۱۵. معرفت، محمدهادی، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، مؤسسه التمهید، ۲۰۰۲.
۱۶. نصیری رضی، محمد، تاریخ تحلیلی اسلام، چاپ هفدهم: قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۷۹.
17. jane dammen mcauliffe, Encyclopaedia of the Quran, Volume two, Brill, Leiden - boston, 2002.